

تحلیلی شناختی از مفهوم سازی «خشم الهی» در حوزه دنیا در قرآن کریم^۱

آزاده شریفی مقدم^۲

فاطمه حبیبی^۳

مهديه اسحاقی^۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۲۱

نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی شیوه مفهوم سازی خشم و عذاب الهی در قرآن کریم می پردازد. به این منظور، نخست، آیه های دربرگیرنده مفهوم های مورد نظر گرد-آوری شدند و سپس از جنبه حوزه های مبدأ و نیز مرحله ها و سناریوی خشم مورد بررسی قرار گرفتند. هدف از این بررسی، یافتن تناظرهای قابل درک برای انسان در قرآن کریم است. مبنای این تناظر، شیوه مفهوم سازی خشم و الگوی حاکم بر آن در حالت های گوناگون انسانی، مدل کووچس (Kövecses, 1986)

^۱ شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/jlr.2020.30390.1840

^۲ دکترای تخصصی زبان شناسی، دانشیار گروه زبان های خارجی، هیأت علمی دانشگاه شهید باهنر کرمان (نویسنده مسئول)؛ aasharifi@uk.ac.ir

^۳ پژوهشگر پسادکتری رشته علوم قرآن و حدیث، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه الزهراء؛

f.habibi@alzahra.ac.ir

^۴ دانش آموخته دکترای تخصصی زبان شناسی، دانشگاه تهران؛ mahdieheshaghi@ut.ac.ir

است. از یافته‌های این بررسی می‌توان به مفهوم‌سازی خشم در قرآن کریم با استفاده از حوزه‌های مبدأ «آتش»، «بلا و خسران»، «حیوان»، «ماده خوراکی تلخ و گزنده»، «تاریکی و ظلمت» و «فاصله» اشاره نمود که شباهت چشم‌گیری با حوزه‌های مبدأ خشم انسانی دارد. این شباهت‌ها با توجه به ماهیت متفاوت خشم در خداوند و بشر، از آن جهت اهمیت دارد که سازوکارهای کلام قرآنی را در انتقال پیام الهی به مخاطب بشری نشان می‌دهد. به بیان دیگر، در راستای بعد هدایت‌گری و اهمیت انتقال پیام الهی به مخاطب انسانی، خداوند از کلامی برای ارتباط با انسان بهره می‌برد که برای گونه بشری ملموس و مأنوس بوده و حقیقت‌های معنوی و واقعیت‌های انتزاعی را با بهره‌گیری از مفاهیم عینی و تجربی به او منتقل می‌نماید تا برای مخاطب خود درک‌پذیرتر باشد. همچنین، با توجه آیه‌ها و مستندات قرآنی الگوی خشم خداوند با سناریوی خشم انسانی تفاوت داشته و مشتمل بر سه مرحله بینش و هدایت، هشدار و اخطار و در مرحله آخر عقاب است.

واژه‌های کلیدی: قرآن کریم، زبان‌شناسی شناختی، استعاره مفهومی، الگوی خشم، حوزه مبدأ، حوزه مقصد.

۱. مقدمه

در قرآن کریم آیه‌های فراوانی را می‌توان یافت که موضوع آن‌ها گناه و پیامد آن، یعنی کیفر و عذاب الهی است. خداوند در این آیه‌ها نسبت به آن دسته از گناه‌کارانی که راه نادرست را برگزیده‌اند، خشم گرفته و مجازات‌هایی را نیز برای آن‌ها مقدر می‌نماید. شمار گسترده این آیه‌ها خود گواه اهمیت این پیام الهی است که به شیوه‌های متفاوت و در ساختارهای گوناگون دستوری و نیز در قالب معانی ارجاعی و غیر ارجاعی یا استعاری در قرآن ارائه می‌شود.

کاربرد استعاره در قرآن کریم، چه در چارچوبی صرفاً ادبی و چه از دیدگاه شناختی (که رویکرد پژوهش حاضر است) از گذشته تاکنون مورد توجه بسیاری از پژوهشگران علوم قرآنی بوده است. دیدگاه جدید که از آن با نام «نظریه معاصر استعاره»^۱ یا «استعاره مفهومی»^۲ یاد می‌شود، در سه ویژگی اساسی - که پیشینه آن به دیدگاه‌های ارسطو در پیوند با استعاره بر می‌گردد - از نگرش ادبی متمایز می‌شود (Lakoff & Johnson, 1980, p. 44). این سه ویژگی با مثال‌ها و نمونه‌هایی از آیه‌های قرآن کریم شرح داده خواهد شد:

^۱ contemporary theory of metaphor

^۲ conceptual metaphor

یکم- پژوهشگران پیشین، کاربرد استعاره در متن قرآن کریم را فقط به عنوان یک آرایه ادبی و بخشی از زیبایی‌های قرآن مورد توجه قرار می‌دادند. در مقابل دیدگاه آن‌ها، در چشم‌انداز شناختی، استعاره‌ها فقط صنایع ادبی به شمار نیامده، بلکه ابزار شناخت و تفکر و نیز وسیله درک بهتر معنا و مفهوم قلمداد می‌شوند. در این نگرش، استعاره سبب می‌شود تا مفاهیم مجرد و انتزاعی (حوزه مقصد^۱) توسط مفاهیم عینی و ملموس که در تجربه بشر قرار داشته و مأنوس‌ترند (حوزه های مبدأ^۲) درک و فهمیده شوند. به این ترتیب، درک یک استعاره مفهومی فرآورده درک روابط و نگاشت‌هایی^۳ است که بین این دو حوزه ایجاد شده و منجر به درک مفهوم استعاری می‌گردد. در آیه زیر:

۱. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ (سوره نور، آیه ۲۱): ای کسانی که ایمان

آورده‌اید، از قدم‌های شیطان پیروی نکنید.

واژه «خطوات» (جمع خطوه) به معنای گام برداشتن است (Ragheb Esfahani, 1995, p. 288) و به عنوان حوزه مبدأ با مفهومی عینی‌تر و شناخته شده‌تر برای درک حوزه مقصد انتزاعی «جهان‌بینی و روش فکری» (به معنای وسوسه‌های شیطان) است، به کار می‌رود.

از سوی دیگر، اگرچه قرآن کریم متنی آهنگین و موزون بوده و صنعت‌های ادبی بسیاری نیز در آن به کار رفته است، اما فقط یک متن ادبی نبوده و اعجاز بیانی تنها یکی از وجه‌های اعجاز در قرآن است (Marefat, 2002, p. 374). همچنین بُعد هدایت‌گری، ماهیت پیام و انتقال آن نسبت به موضوع زیبایی بیانی دارای برتری است. به این ترتیب، به نظر می‌رسد تحلیل شناختی از استعاره به عنوان ابزار شناخت و درک معنا در مقابل دیدگاه سنتی منطقی‌تر و توجیه‌پذیرتر است. چرا که در دیدگاه سنتی، استعاره فقط ابزاری بلاغی _ ادبی به شمار می‌آمده و فقط به زیبایی متن می‌افزوده است. بر این مبنا، بهره‌گیری از رویکرد شناختی استعاره، با هدف هدایت‌گری متن الهی همخوانی بیشتری دارد. خداوند در سوره الشعراء آیه ۱۹۵ می‌فرماید که ما قرآن را به زبان عربی نازل کردیم و آن را برای نیایش آسان نمودیم (بَلِسَانَ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ).

دوم- تفاوت دیگری وجود دارد که پژوهش‌های قرآنی با رویکرد کلاسیک را از نگرش شناختی متمایز می‌کند. بر پایه این تفاوت، برخلاف نگرش سنتی _ ادبی که استعاره را مبتنی بر شباهت بین دو مفهوم می‌دانست، در نگرش جدید، استعاره حاصل انطباق بین دو حوزه مبدأ و مقصد است. بدون اینکه الزاماً شباهتی بین دو مفهوم مورد اشاره وجود داشته باشد. آیه زیر،

¹ target domain

² source domain

³ mapping

مفهومی شدگی حوزه مقصد زمان را (قیامت که از جنس زمان است) با استفاده از حوزه مکان (بنا و ساختمان) نشان می‌دهد:

۲. يَا قَوْمِ إِنَّمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا مَتَاعٌ وَإِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ دَائِرُ الْقَرَارِ (سوره غافر، آیه ۳۹): ای قوم، این زندگانی دنیا متاع ناچیزی بیش نیست و سرای آخرت منزلگاه ابدی است.

سوم - سومین تفاوتی که دیدگاه معاصر را از دیدگاه سنتی متمایز می‌سازد، این اصل بنیادی - شناختی است که استعاره را برخلاف نگرش سنتی، ویژگی مفاهیم می‌داند و نه ویژگی الفاظ و واژه‌ها. در این چشم‌انداز، نظام فکری بشر اساساً استعاری فرض می‌شود. به همین دلیل، پاره‌گفته‌ای زبانی گوناگون و متفاوتی را می‌توان یافت که سرچشمه آن‌ها استعاره مفهومی یکسانی است؛ همچون استعاره مفهومی «زندگی سفر است» که در تمام آیه‌های زیر یافت می‌شود (Hooshangi & Seyfi Porgu, 2009, p. 13):

۳. الف) وَأَنَّ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ فَاتَّبِعُوهُ (سوره انعام، آیه ۱۵۳).

ب) وَمَنْ يَعْصِمْ بِاللَّهِ فَعَلًا هُدًى إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (سوره آل عمران، آیه ۱۰۱).

این در حالی است که خشم در خداوند و انسان صفت و ویژگی کاملاً متفاوت در ذات و ماهیت است و فقط از جنبه واژه مشابه است. با این وجود، همچنان مخاطب، آیه‌های مشتمل بر مفهوم خشم الهی را کاملاً درک نموده و آن‌ها را می‌فهمند. از سویی، کلام قرآن نیز دارای ویژگی‌هایی است که آن را قابل فهم برای انسان نموده است، همچون استفاده از کلمه‌ها و واژه‌های مأنوس با زندگی بشر، نقل داستان‌ها و روایت‌های معمول و نیز جمله‌های ساده دستوری. بنابراین، به نظر می‌رسد که خداوند از ویژگی‌های کلامی بشر برای انتقال بهتر پیام به او استفاده نموده و استعاره از جمله ابزاری است که درک مفاهیم انتزاعی را برای بشر ساده می‌سازد. بر همین اساس، این پرسش اساسی پیش کشیده می‌شود که آیا در پیام‌های قرآنی در بردارنده مفاهیم خشم و عذاب الهی، کاربرد حوزه‌های مبدأ انسانی سبب درک بهتر آیه‌ها می‌شود؟ برای پاسخ به این پرسش، آیه‌های دربرگیرنده خشم و قهر الهی و نیز چگونگی شرح عذاب و عقاب در آن‌ها مورد بررسی قرار گرفت تا چگونگی انتقال این مفهوم انتزاعی به عنوان حوزه مقصد به مفاهیم مأنوس‌تر حوزه‌های مبدأ بررسی گردد.

۲. چارچوب نظری و پیشینه پژوهش

علوم شناختی در چند دهه اخیر دگرگونی اساسی در شماری از شاخه‌های علوم انسانی ایجاد نموده است؛ این دگرگونی در زبان‌شناسی با چاپ کتاب «استعاره‌هایی که با آن‌ها زندگی می‌-

کنیم^۱» به وسیله لیکاف و جانسون (Lakoff & Johnson, 1980) آغاز شد و شیوه جدیدی در تحلیل استعاره و مجاز معرفی و ارائه نمود. دیدگاه جدید، استعاره را از تعلق داشتن به حوزه ادبیات خارج نموده و ذهن را اساساً دارای کارکرد استعاری دانست. دیدگاه معاصر به دلیل پیوند مابین تحلیل‌های زبانی با دنیای عینی و تجربی، به سرعت توجه و نظر پژوهش‌گران حوزه زبان و زبان‌شناسی به خود جلب نمود و در بررسی متن‌های گوناگون ادبی، مذهبی، هنری و متن‌های تبلیغاتی، زبان کودکان و بسیاری از موضوع‌های دیگر به کار گرفته شد.

ژلتان کووچش (Kövecses, 1986; Kövecses, 1995; Kövecses, 2002) با الهام از نظریه استعاره مفهومی لیکاف و جانسون در پیوند با احساسات و عواطف انسانی الگویی شناختی ارائه داد. وی معتقد است که احساسات ریشه در دانش شناختی انسان داشته، احساسی بی-شکل و بی‌نظم نبوده و از الگوی منظمی پیروی می‌کند. کووچش احساسات را در رده حوزه‌های مقصدی همچون اخلاق، تفکر، روابط انسانی، مرگ و زندگی، رخدادها و سیاست قرار می‌دهد. این حوزه‌های مبدأ به سبب ماهیت انتزاعی‌شان توسط حوزه‌های مبدأ عینی‌تر همچون اعضای بدن، سلامت و بیماری، حیوان و گیاه، غذا، جهت‌ها، ابزار و نیرو مفهوم‌سازی شده و هویت استعاری آن‌ها درک می‌شود (Kövecses, 2002, p. 17). در ادامه، نخست الگوی استعاری خشم را در انسان که توسط کووچش معرفی شده است، مرور خواهیم نمود. سپس با توجه به ماهیت متفاوت این صفت در خداوند و نوع بشر به این تفاوت‌ها اشاره می‌شود و در پایان، پژوهش‌های مرتبط با موضوع مرور خواهد شد:

۲.۱. الگوی استعاری خشم در انسان

مفهوم‌سازی خشم همچون دیگر احساسات و عواطف، به دلیل ماهیت انتزاعی‌اش به وسیله حوزه‌های مبدأیی انجام می‌پذیرد که عینی‌تر بوده و درک بهتر این احساس را امکان‌پذیر می‌سازد (Lakoff, 1992, p. 2; Kövecses, 2002, p. 4). کووچش مبنای استعاره خشم را همان چیزی می‌داند که در جهان فیزیکی رخ می‌دهد. در واقع، بشر هنگام بروز این احساس با نمود تجربی و فیزیولوژیک آن روبه‌رو می‌شود؛ همچون بالا رفتن حرارت و فشار بدن، تغییر خلق‌وخو و نیز احتمال آسیب به خود و دیگران. درک استعاره‌های حوزه خشم نیز فرآورده درک یک‌به‌یک میان مفهوم این احساس (حوزه مقصد) و تجربه‌های انسان از جهان تجربی و واقعی (حوزه مبدأ) است.

¹ metaphors we live by

در الگوی استعاری کووچش (Kövecses, 1986, p. 17) استعاره‌های مفهومی براساس زایایی و فراوانی در کاربرد و نیز ارتباط مفهومی به سه دسته شاخص، اصلی و فرعی (عام) دسته‌بندی می‌شود:

۲.۱.۱. استعاره شاخص «خشم آتش / حرارت است»

در الگوی استعاری خشم، حوزه مبدأ آتش و مفاهیم مرتبط با آن از جمله حرارت، گرما و داغی شاخص‌ترین استعاره مفهومی متعلق به این احساس قلمداد می‌شود. چرا که مستقیماً با علامت‌های فیزیولوژیکی همچون احساس داغی و حرارت در بدن، سرخی و برافروختگی چهره، بالا رفتن فشار یا دمای بدن و لرزش یا ارتعاش در ارتباط است. پاره‌گفته‌هایی همچون «از عصبانیت گر گرفته بود» و «جوش آورده» گویای تناظر بین حوزه مقصد خشم و حوزه مبدأ آتش است.

۲.۱.۲. خشم بیماری / دیوانگی است

بر مبنای الگوی عامیانه خشم، شخص عصبانی جسم و روان سالمی ندارد؛ شخص عصبانی چنان- که نخواهد یا نتواند خشم خود را کنترل کند، رفتارهای نامعمول و نامعقولی انجام می‌دهد. وی این رفتارها را در شرایط عادی و معمول و در هنگام آرامش انجام نمی‌دهد. پاره‌گفته‌های استعاری همچون: «نزدیک بود بزنه همه چی رو بشکنه» و «هیچی حالیش نبود» تناظر بین دو حوزه را نشان می‌دهد.

۲.۱.۳. خشم حیوان است

در این استعاره، خوی حیوانی جایگزین خوی انسانی می‌شود، همچون پاره‌گفته‌های «پا رو دمش ندار» و «هار شده».

۲.۱.۴. خشم بار است

در پاره‌گفته‌های استعاری همچون «هرچی تو دلش بود ریخت بیرون» و «گفتم، سبک شدم» اساس خشم به شکل ماده یا بار اضافی مفهوم‌سازی شده است؛ شخص سنگینی آن را در وجود خود احساس کرده و یا بر وی تحمیل شده است.

۲.۱.۵. خشم حریف در مبارزه است

انگاشتن خشم به مثابه یک حریف در مبارزه یا مسابقه، بیانگر تلاش فرد برای کنترل خشم و دشوار بودن این مرحله است. پاره‌گفته‌هایی همچون «با همه سر جنگ داره» و «با خودش هم درگیره»

بیانگر این مفهوم است. کووچش همچنین به استعاره‌های عامی اشاره می‌کند که به دلیل اساس معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی، محدود و منحصر به حوزه خشم نبوده و حوزه مبدأ بسیاری از مفاهیم مجرد و انتزاعی قرار می‌گیرند، همچون استعاره‌های مفهومی «خشم ماده/ شخص است» در پاره‌گفته‌های استعاری «خشمش را نشان داد» و «تسلیم خشم نشد». پژوهشگران ایرانی نیز موارد دیگری را به این فهرست افزوده‌اند که در ادامه به مهمترین آن‌ها اشاره می‌شود (Sasani & Malakyan, 2014 ; Hamedy & Sharifi, 2015; Mouludi et. al, 2015; Sharifi Moghadam & Fatemi, 2020).

۲.۱.۶. خشم آسیب/ ویرانی است

مفهوم‌سازی خشم با استفاده از تجربه آسیب‌دیدن یا آسیب‌رساندن به وسیله خشم در پاره‌گفته‌های رایجی همچون «عصابم خورده/ خرابه/ بهم ریخته» مشاهده می‌شود.

۲.۱.۷. خشم تاریکی است

نگاشت بین مفهوم خشم و حوزه مبدأ تاریکی در عبارت «سایه خشم...» و نیز در شعر زیر از فردوسی، دیده می‌شود: «... به خشم از هوا روشنایی ببرد».

۲.۱.۸. ماده خوراکی بدمزه

این استعاره مفهومی را می‌توان در ساختارهایی همچون «ترش‌رو» و «باصد من عسل هم نمیشه خورد» مشاهده نمود. کووچش (Kövecses, 1986) همچنین معتقد است که مجموعه استعاره‌ها و مجازهای به کاررفته در این حوزه مفهومی، سناریوی منظمی را با عنوان «سناریوی نمونه/علاهی خشم» تشکیل می‌دهد. این سناریو مشتمل بر پنج مرحله در انسان است: در مرحله نخست، اتفاقی آزاردهنده عامل ایجاد خشم در فرد بوده و معمولاً با وجود یک عنصر مقصر یا خطاکار همراه است. مرحله دوم، بروز خشم است که با برانگیخته‌شدن احساسات به همراه تأثیرات فیزیولوژیک در فرد است؛ همچون افزایش حرارت بدن، فشار درونی و نیز آشفتگی فیزیکی. در مرحله سوم معمولاً فرد تلاش می‌کند تا خشم خود را کنترل کند. مرحله چهارم، برون‌داد خشم بوده و پیامد آن رفتار و اعمال نامعقول، تند و خارج از کنترل است. در مرحله پنجم، فرد با مجازات یا تلافی کار شخص خطاکار یا ستیزه‌جو به خشم خود پایان داده و آثار فیزیولوژیک نیز از او دور می‌شود.

۲.۲. تفاوت خشم الهی و خشم در انسان

واژه «خشم» به معنای «هیجان و جوشش خون و قلب برای انتقام است» و منظور از خشم خداوند همان انتقام، بلا و شکنجه الهی است (Ghorashi, 1992, v.5, p.103-104). در روایتی از امام باقر (علیه السلام) بیان شده است که فردی به نام عمرو بر ایشان وارد شد و گفت: فدایت شوم خداوند می فرماید: وَمَنْ يَحْلِلْ عَلَيْهِ غَضَبِي فَقَدْ هَوَى (سوره طه، آیه ۸۱) مراد از غضب چیست؟ امام فرمود: هُوَ الْعِقَابُ يَا عَمْرُو (غضب خدا، عقاب اوست ای عمرو) سپس امام (ع) در توضیح کلام خود فرمودند: هر که تصور کند خدا از حالی به حال دیگری در می آید، او را با صفت مخلوق وصف کرده است (Ibn Babuyeh, 1982, v.1, p.44).

سببها و عامل های خشم خداوند نسبت به بنده را می توان به دو دسته پیشینی (عقیدتی) و نگرشی (رفتاری) دسته بندی کرد؛ از جمله عوامل پیشینی و عقیدتی خشم الهی می توان به «تکذیب آیات الهی» [سوره اعراف، آیه های ۷۰ و ۷۱]، «ارتداد و پرستش غیر خدا» [سوره اعراف، آیه ۱۵۰]، «شرک و بت پرستی» [سوره اعراف، آیه های ۷۰-۷۱] «کفر به آیات خداوند» [سوره بقره، آیه ۶۱] اشاره نمود. بخش دوم که زمینه های خشم الهی را بر می انگیزاند از جنبه عملکردی و رفتارهای اجتماعی و غیر قانونی است که انسان ها مرتکب می شوند؛ این دسته از رفتارهای ضد عقل و آئین دین موجب می شود که خداوند نسبت به بنده ای و یا گروهی از بندگان خشمگین شود، همچون «اسراف در خوردن و آشامیدن» [سوره طه، آیه ۸۱]، «اطاعت و پیروی از شیطان» [سوره محمد، آیه ۲۵] «افتراء»، «حرام خواری»، «حسدورزی»، «خیانت در امانت» و «زنا» (Mansuri, 2015, p.2).

این مطالب مشخص می سازد که خشم الهی از جنبه انگیزه و هدف از خشم بشری متمایز است؛ در حالی که خشم در انسان به دلیل های گوناگون و عوامل دگرگون شونده و حتی غیر قابل پیش بینی روی می دهد، عامل خشم الهی مشخص و قابل پیش بینی بوده و به ویژه نتیجه گناه و معصیت در انسان است. خداوند عاملان گناه را با لقب هایی همچون کافران، مشرکان، فاسقان، ظالمان، ستمکاران، منافقان، مجرمان، مفسدان، دروغگویان، رباخواران، استهزاکنندگان و موارد مشابه می نامد (نگاه کنید به سوره البقره، آیه ۹۰؛ سوره المائده، آیه ۹۳؛ سوره النحل، آیه ۱۰۶؛ سوره الفتح، آیه ۶).

از سوی دیگر، خشم در انسان احساسی درونی است که با هیجانات و تأثیرات فیزیولوژیک همراه بوده و سبب ایجاد تغییرات خلقی و رفتاری در فرد می شود. به بیان دیگر، مبدأ خشم، خود انسان بوده و عامل آن نیز انسانی است. در واقع، خشم از صفت های ذاتی پروردگار نبوده بلکه

صفت فعل اوست. نکته دیگر اینکه، بر خلاف خشم در انسان که احساسی منفی، ناخوشایند و ناپسند است و حتی در قرآن نیز صفتی نکوهیده به شمار می آید و آیه‌ها و روایت‌های فراوانی مبنی بر کنترل خشم و راه‌های غلبه بر آن موجود است، از خشم خداوند به عنوان نعمت الهی یاد می‌شود. زیرا عامل پرهیز از گناه در انسان بوده و او را به سوی نیک‌بختی می‌کشاند (Koleyni, 1996, v.1, p.110; Javadi Amoli, 2009a, p. 65; Javadi Amoli, 2009b, v. 1, p. 213-216).

۳.۲. پژوهش‌های ایرانی

نظریه معاصر استعاره مطالعات حوزه قرآنی را نیز همچون حوزه‌های دیگر زبان تحت تأثیر قرار داده است. آنچه در ادامه خواهد آمد، مجموعه پژوهش‌هایی است که در دو دهه اخیر متن قرآن کریم را با رویکرد شناختی مورد بررسی قرار داده است:

برخی از این پژوهش‌ها استعاره مفهومی را به شکل عام و بدون تأکید بر جنبه‌ای خاص مورد بررسی قرار داده‌اند. از جمله هوشنگی و سیفی پرگو (Hooshangi & Seyfi porgu, 2009) به بررسی فراوانی حوزه‌های مبدأ در قرآن کریم پرداخته و مهم‌ترین حوزه‌های به کاررفته را به ترتیب شامل اعضای بدن، حیوان و گیاه، ماشین، سود و زیان بیان می‌کنند. قائمی‌نیا (Ghaeminiya, 2009) با باور به اینکه نظریه شناختی در فهم آیه‌های قرآن و گزاره‌های مذهبی تأثیر دارد، به تحلیل استعاره‌های مفهومی در متن آیه‌های قرآن کریم می‌پردازد. پوراابراهیم (Pour Ebrahim, 2009) انواع استعاره‌های مفهومی را در نیمی از قرآن (۱۵ جزء اول) بر می‌شمارد. او انواع استعاره هستی‌شناسی را مرور کرده، برای انواع استعاره‌های جهت‌ی نمونه‌های گوناگونی آورده و استعاره‌های ساختاری را در حوزه زندگی، اعضای بدن و زمان شرح می‌دهد. رضایی و حسینی (Rezaee & Hosseyni, 2012) با هدف دست‌یابی به اعجاز بیانی قرآن و تصویرپردازی‌های هنری آن، ابزارهای بلاغی از جمله تشبیه، استعاره و کنایه را مورد بازبینی قرار می‌دهند. ویسی و اورکی (Veysi & Ouraki, 2015) به تحلیل ساختارهای استعاری پرداخته و نتیجه می‌گیرند که رویکرد شناختی قابلیت کافی برای تحلیل استعاره‌های به کاررفته در کلام قرآن را دارد.

برخی از پژوهش‌ها بر جنبه یا نوعی خاص از استعاره در کلام قرآن تمرکز نموده‌اند. از جمله عندلیبی (Andalibi, 2006) به استعاره کانونی «انسان به مثابه عبد» و رابطه بین «رب و عبد» در عبارات استعاری پرداخته است. وی معتقد است که این استعاره نقشی فرهنگ‌ساز در متون و

تفکرات دینی مسلمانان داشته‌است. کرد زعفرانلو کاموزیا و حاجیان (Zafaranlu, 2009) از میان انواع استعاره، بر استعاره‌های جهتی تمرکز کرده و گونه‌های آن را در متن قرآن کریم مورد بررسی قرار می‌دهند. این بررسی نشان می‌دهد که جهت‌های بالا، مرکز، راست و جلو در قرآن دارای بار ارزشی مثبت است. پوراابراهیم (Pour Ebrahim, 2009) در پایان نامه دکتری خود بحثی کلی در ارتباط با استعاره در قرآن کریم را ارائه می‌دهد. پوراابراهیم و همکاران (Pour Ebrahim et.al, 2012) مفاهیم استعاری و مجازی واژه صورت «وجه» را در تعدادی از آیات قرآن کریم مورد بررسی قرار داده و نشان می‌دهند که برخی مفاهیم انتزاعی همچون ایمان، شخصیت، و رضایت از طریق مفاهیم عینی و جسمی چون «روی کردن/گرداندن» مفهوم‌سازی شده‌اند. پوراابراهیم (Pour Ebrahim, 2014) این بار مفهوم‌سازی حوزه معنایی «زندگی» را در زبان قرآن مورد بررسی قرار داده و با استناد به آیه‌های مشتمل بر این حوزه مقصد، به چهار حوزه مبدأ سفر، بازی، خانه و کالا اشاره می‌کند.

حجازی (Hejazi, 2016) استعاره عام «الله نور السموات و الارض» را در متن‌های دینی گوناگون بررسی نموده‌است. وی مهمترین حوزه‌های مبدأ لفظ «نور» را مفاهیم «آفریننده آسمان و زمین»، «رحمت گسترده»، «هدایت‌گر»، «منشاء خیر و کمال»، «روشنی‌بخش» و «منشاء علم» بیان می‌کند. حسینی و قائمی‌نیا (Hossyni & Ghaemniya, 2016) بر حوزه مفهومی «رحمت الهی» تمرکز کرده و شیوه‌های مفهوم‌سازی آن را در زبان قرآن به وسیله حوزه‌های مبدأ «شیء نفیس و گرانبها»، «باران»، «مکان» و «طعام» در آیه‌های دربردارنده این مفهوم استعاری توضیح می‌دهند. استعاره عام «مقصود مقصد است» به وسیله قائمی و ذوالفقاری (Ghaemi & Zolfaghari, 2016) مورد بررسی قرار گرفته‌است. قائمی‌نیا و ذوالفقاری (همان) تناظر بین حوزه‌های مبدأ و مقصد در استعاره مفهومی «پیام الهی، ارتباط کلامی است» با توجه به ویژگی‌های هستی‌شناختی، ساختاری و جهتی همراه با شواهد قرآنی بررسی کرده‌اند. نظری و موسوی بفرویی (Nazari & Bafrooei, 2020) استعاره‌های مفهومی اسم‌های زمان را در قرآن کریم مورد بررسی قرار داده‌اند. امینی (Amini, 2018) در رساله دکتری خود با نام «تبیین استعاره‌های مفهومی حوزه داوری قیامت در قرآن کریم» مفاهیم استعاری حوزه دنیا، اعمال و داوری در قیامت را بررسی نموده‌است. کلانتاری و همکاران (Kalantari et.al, 2019) از دو دیدگاه عصب-شناسی زیستی و کنش مفهومی به استعاره‌های خشم در قرآن پرداخته‌اند. آن‌ها با بررسی تعداد ۸۰ استعاره حوزه خشم به این نتیجه رسیده‌اند که واژگان حوزه مبدأ در درک استعاری حوزه‌های مقصدی چون کفر، مسکنت، نفرین، عذاب و موارد مشابه نقش اساسی دارد. در پایان، مرسلی و

همکاران (Morseli et.al, 2018) مفهوم «عذاب» را با توجه به نظام معنایی و با تکیه به روابط همنشینی و جانشینی مورد بررسی قرار داده و مهم ترین جانشین ها و هم نشین های این مفهوم را بر شمرده اند.

پس از ارائه این نظریه، بررسی ها و پژوهش های گوناگونی در این زمینه انجام گرفته است. هر چند با وجود اهمیت موضوع تاکنون استعاره خشم و الگوی استعاری حاکم بر آن در کلام قرآن بررسی نشده است که خود ضرورت پرداختن به این مطلب را آشکار می سازد.

۳. روش شناسی پژوهش

وجود حدود هفتصد آیه با محتوای خشم و عذاب الهی در متن قرآن کریم دلالت بر اهمیت آن دارد. همچنین، خشم الهی با آنچه با عنوان خشم در انسان می شناسیم، تفاوت دارد. بر این مبنا، نگارندگان مقاله حاضر بر آنند تا مفهوم سازی این مقوله را از دیدگاه شناختی مورد بررسی قرار داده و تناظر این مفهوم را با حوزه های مبدأ مانوس با ذهن بشر مطالعه نمایند. بنابراین، آیه هایی که در آن ها خشم به گونه ای استعاری به کار رفته بود مورد توجه قرار گرفت تا حوزه های مبدأ و نیز سناریوی خشم الهی در آن ها مورد بررسی قرار گیرد. برای درک آیه ها، ترجمه و تفسیر الهی قمشه ای (Ellahi Ghomsheie, 2009) به کار گرفته شد. به همین منظور، علاوه بر استناد به پیکره داده ها که بیانگر فراوانی دو مفهوم عذاب و نار است، در نرم افزار جامع تفاسیر نور (نسخه ۳) ^۱ و پایگاه اطلاع رسانی حدیث شیعه، کلمه «نار» بررسی شد. در این زمینه مشخص شد این وایه روی هم رفته، ۱۴۵ بار تکرار شده که ۱۱۸ مورد آتش جهنم، دو مورد آتش برزخ و ۲۵ مورد معانی گوناگون آتش دنیا مراد است. همچنین، در نرم افزار جامع تفاسیر نور (نسخه ۳) و در سایت اشاره شده و نیز در پایگاه اطلاع رسانی حوزه هم واژه «عذاب» جستجو و معلوم شد که ۱۴۹ بار در قرآن به کار رفته است.

۴. مفهوم سازی حوزه خشم در دنیا

این بخش، اختصاص دارد به سازو کارهای مفهومی شدگی حوزه معنایی خشم در قرآن کریم. در این میان، استعاره (در مفهوم شناختی آن) روشی است برای درک بهتر و مانوس تر معانی در زبان. بر این مبنا، به نظر می رسد در کلام قرآن از استعاره که سازو کاری مانوس با ذهن بشر است استفاده شده، تا پیام مهم الهی را در حوزه عذاب، عقاب و خشم الهی به او منتقل نماید. در این بخش

^۱ نگاه کنید به وب گاه «<http://www.parsquran.com>»

خواهیم دید که کدام یک از حوزه‌های مبدأ در الگوی خشم انسانی، در کلام قرآن نیز به کار رفته است:

۴. ۱. آتش

یکی از مفاهیم مأنوس با ذهن بشر در پیوند با خشم، حوزه مبدأ آتش است. در قرآن نیز نیروی آتش یکی از نمودهای خشم الهی است. دو واژه «عذاب» و «آتش» به ترتیب دو مفهومی هستند که بیشترین فراوانی را در میان داده‌های حوزه خشم الهی دارند (به ترتیب ۱۴۹ و ۱۴۵ بار در قرآن به کار رفته‌اند)؛ واژه «عذاب» اغلب با صفت‌های توصیفی و تشدیدکننده‌ای همچون «الیم»، «شدید»، «عظیم»، «مهین»، «سریع» و «سعیر»، «صعداً»، «الاکبر»، «احد»، «عذاباً لأعدّبه» به کار رفته است. این واژه، اگر چه از شمول معنایی گسترده تری برخوردار است، اما در موارد بسیار هم معنا با آتش دریافت می‌شود.

همچنین در قرآن کریم، واژه «نار» نماد آفرینش و نشانه‌های توحید است (نگاه کنید به سوره الأعراف، آیه ۱۲؛ سوره واقعه، آیه ۷۱). با این وجود، اغلب این واژه مفهوم عذاب الهی در دنیا و در آخرت دارد؛ آتش دنیوی بازخورد گناه و گناه کاری در انسان و از نشانه‌های خشم الهی است، همچون آیه‌های زیر:

۴. إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَ سَيَصْلَوْنَ سَعِيرًا (سوره نساء، آیه ۱۰)

آنان که اموال یتیمان را به ستمگری می‌خورند، در حقیقت آن‌ها در شکم خود آتش جهنم فرو می‌برند و به زودی در آتش فروزان خواهند افتاد.

در این آیه، آتش (نار) نماد معصیت و بازتاب گناه خوردن اموال یتیم است.

۵. إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنزَلَ اللَّهُ مِنَ الْكِتَابِ وَيَشْتُرُونَ بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَٰئِكَ مَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ إِلَّا النَّارَ وَ لَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لَا يُزَكِّيهِمْ وَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (سوره بقره، آیه ۱۷۴).

بی‌گمان، کسانی که آن‌چه را خدا از کتاب نازل کرده پنهان می‌کنند، و در برابر این پنهان‌کاری بهای اندکی به دست می‌آورند، جز آتش به شکم‌های خود نمی‌ریزند. خدا روز قیامت با آنان سخن نمی‌گوید و پاکشان نمی‌کند و برای آنان عذابی دردناک است.

در این آیه نیز آتش نماد گناه و کیفر الهی است. نکته دیگر در پیوند است با کاربرد واژه «یاکلون» به معنای خوردن به همراه واژه آتش. این همراهی، مفهومی شدگی گناه را توسط حوزه مبدأ خوراک نشان می‌دهد. به بیان روشن‌تر، این پاره گفته بیانگر رنج و آزار درونی و باطنی (رنج

و عذاب درونی) است که فرد به علت گناه و خطا به آن گرفتار می‌شود. در آیه زیر نیز می‌توان این نوع مفهومی شدگی (تبا بهره‌گیری از فعل «ذوقو» به معنای چشیدن) را مشاهده نمود (و همچنین در سوره یونس، آیه ۵۲؛ سوره نبا، آیه ۳۰؛ سوره انعام، آیه ۳۰؛ سوره اعراف، آیه ۳۹؛ سوره انفال، آیه ۳۵؛ سوره دخان، آیه ۴۵):

۶. *اَلَمْ يَأْتِكُمْ نَبَأُ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا مِنْ قَبْلُ فَذَاقُوْا وَّيَالِ اَٰمْرِهِيْمَ وَاَلِهِيْمَ عَذَابُ اَلِيْمٍ (سوره تغابن، آیه ۵).*

آیا شما را خبر کسانی که از این پیش کافر شده بودند نرسیده است؟ عقوبت عملشان را چشیدند و ایشان راست عذابی دردآور.

گاهی تفسیرگران و مترجم‌های قرآن برای واژه عذاب، مفهوم آتش قرار داده و آن را به متن فارسی افزوده‌اند؛ در ترجمه آیه زیر، الهی قمشای (Ellahi Ghomsheie, 2009) واژه دوزخ را برای توصیف عذاب آورده است (نمونه‌های بیشتر: سوره قلم، آیه ۱۹؛ سوره نبا، آیه ۲۲؛ سوره فرقان، آیه ۶۵؛ سوره سبا، آیه ۱۲):

۷. *قُلْ اَرَاَيْتُمْ اِنْ اَهْلَكْنِيَّ اللّٰهُ وَمَنْ مَعِيَ اَوْ رَحِمْنَا فَمَنْ يُجِيرُ الْكٰفِرِيْنَ مِنْ عَذَابِ اَلِيْمٍ (سوره ملک، آیه ۲۸)*

بگو: چه تصور می‌کنید؟ اگر خدا، من و مؤمنانی که با من‌اند را هلاک کند؛ یا لطف و رحمت فرماید؛ چه کسی آنان که کافرند را از عذاب دردناک دوزخ نجاتشان خواهد داد؟

در پاسخ به این پرسش که مفهوم آتش به عنوان نمودی از کیفر الهی (چه دنیوی و چه اخروی) تا چه اندازه و به چه میزان با تجربه بشر از آن یکسان و هم‌سان است، به قرآن کریم مراجعه می‌کنیم: در قرآن، آتش دوزخ با واژه «نُحْلِد» توصیف شده است (هم‌فیها خالدون و جهنم خالداً فیها) که به معنای فناپذیر و خاموش ناشدنی بوده و گناهکاران نیز در آن برای همیشه خواهند ماند. این ویژگی با آتشی که در دنیای مادی تجربه کرده‌ایم متفاوت بوده و گستره‌ای بسیار فراتر از تجربه ما از این مفهوم را دارد. چراکه آتش دنیوی فناپذیر بوده و جسم انسان نیز در معرض آن به سرعت تخریب و نابود می‌شود. افزون بر این، عذاب ناشی از آتش نتیجه و بازخورد اعمال خود انسان است. همان‌گونه که علامه طباطبایی از آن با نام «تجسّم اعمال» یاد می‌کند (Tabatabaee, 1992, quoted from Meshkati & Fatemizadeh, 2014, p. 103). این به آن معنا است که عقاب، مقوله‌ای است بسیار انتزاعی‌تر از آن‌چه در قالب مفاهیم موجود در کلام بشر بتوان آن را بیان نموده یا توصیف کرد. می‌توان چنین نتیجه گرفت که در کلام الهی، مفاهیم معنوی و انتزاعی به‌گونه‌ای توصیف می‌شوند که با تجربه بشر در دنیای مادی و حقیقی نزدیک بوده و برای نوع انسان قابل درک باشد.

به بیان دیگر، با مقایسه مفاهیم به کاررفته در قرآن کریم و معادل آن در کلام بشر می توان دریافت که خداوند در قرآن کریم مفاهیم محسوس و مأنوس با بشر را به کار برده تا مفاهیم معنوی و انتزاعی را به وی منتقل نماید. در پیوند با عذاب اخروی نیز اگرچه آتش جهنم و عذاب ناشی از آن با تجربه ما از آتش تفاوت دارد، اما در واقع نزدیک ترین مفهوم و تجربه ای است که بشر در دنیا داشته و بشر از طریق انطباق با آن می تواند سختی عذاب و شدت آن را درک نماید.

۴.۲. زیان و آسیب

از نشانه های قهر و غضب خداوند نسبت به بندگان گناه کار که در قرآن با نام های «خاسرون/ خاسرین» از آن یاد شده است، نزول بلا و خسارت و عذاب دنیوی است. گونه های مختلف آسیب و زیان بر پایه مستندات قرآنی به شرح زیر است:

الف) بیماری / مرض یا ناتوانی: در قرآن جاهلان بواسطه جهل و نادانی شان کور و کر توصیف شده اند:

۱. فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا (سوره بقره، آیه ۱۰)

در دل های ایشان بیماری (جهل و عناد) است، خدا بر بیماری آن ها بیفزاید.

در آیه بالا، بیماری مربوط به جسم و تن نبوده بلکه به افرادی تعلق دارد که سلامت روح و عقل خود را به سبب بی خبری و بی خردی از دست داده اند. تناظر بین حوزه انتزاعی و مقصد «سلامت عقل و روح» و حوزه مبدأ و عینی «سلامت جسم و تن» در آیه زیر نیز قابل مشاهده است:

۹. وَكُلُّ شَاءِ اللَّهِ كَذَهَبَ بِسَمْعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (سوره بقره، آیه ۲۰).

ب) بلاهای طبیعی: از دیگر نشانه های خشم خداوند، بلاهایی است که بر قوم گناه کار نازل می شود. همچون آیه زیر (نمونه های بیشتر: سوره قلم، آیه ۱۹؛ سوره حاقه، آیه ۱۰؛ سوره اعراف، آیه ۱۳۲):

۱۰. أَنْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا فَسَتَعْلَمُونَ كَيْفَ نَذِيرِ (سوره ملک، آیه ۱۷)

آیا از قهر خدا ایمن اید که تندبادی بفرستد و بر سر شما سنگ ببارد تا بدانید که وعده

عذاب من چگونه است؟

واژه «حاصباً» به معنای سنگ باران است و تندبادی که سنگ ها را بر سر قوم خطا کار فرود می آورد. این آیه درد و عذابی را مفهوم سازی می کند که به عینی ترین صورت ممکن خشم و قهر خداوندی را بازنمایی می کند؛ درد و عذابی که اگرچه توسط قوم مورد خطاب تجربه نشده است، اما تجربه بشر آن را درک کرده و می فهمد.

پ) هلاکت و نابودی: سخت‌ترین نوع عذاب در دنیا، نابودی و زوال قوم یا ملتی است که از سرنوشت اقوام پیش از خود عبرت نگرفتند و به سبب گناهان خود محکوم به نابودی و زوال شدند. همچون آیه زیر (نمونه‌های بیشتر: سوره حاقه، آیه ۵؛ سوره شمس، آیه ۱۴؛ سوره توبه، آیه ۳۰؛ سوره انعام، آیه ۲۱۴؛ سوره اعراف، آیه ۷۲؛ سوره قمر، آیه‌های ۳۱ و ۳۴؛ سوره الرحمن، آیه ۳۷؛ سوره سبا، آیه ۱۵؛ سوره الصافات، آیه ۱۳):

۱۱. فَذَرَهُمْ حَتَّىٰ يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي فِيهِ يُصْعَقُونَ (سوره طور، آیه ۴۵).

اینان را به (جهل) خود رها کن تا به روز سختشان که آن روز یکسر هلاک می‌شوند عاقبت برسند.

مفهوم آیه بالا بیانگر این مطلب است که واژه‌هایی همچون «هلاک» و «قتل» همیشه به معنای از بین رفتن و نیستی یا نابودی مطلق یک قوم نیست، بلکه می‌توان مفاهیمی چون تهدید به زوال تدریجی، فلاکت و تنگدستی را نیز از این واژه‌ها دریافت نمود (Makarem Shirazi, 1998, p. 4658, v. 22). در آیه‌های بالا نیز می‌توان مفهومی شدگی «عذاب و کفر الهی» را به عنوان حوزه انتزاعی و مقصد توسط مفاهیم «نیستی و نابودی» که به درجاتی از عینیت بیشتری برخوردارند، مشاهده نمود. همچنین در آیه زیر بیان شده است:

۱۲. وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ (سوره بقره،

آیه ۱۹۵)

و در راه خدا انفاق کنید و خود را به مهلکه و خطر در نیفتانید و نیکویی کنید که خدا نیکوکاران را دوست می‌دارد.

واژه «التَّهْلُكَةُ» (به معنای هلاکت) به مثابه ظرفی که دارای محدوده و مرزبندی بوده، در نظر گرفته شده است، معنای کلی حرف اضافه «إِلَى» جهت‌گیری و حرکت به سوی یک مقصد است که می‌تواند علاوه بر معنای حرکت فیزیکی و مکانی بر معنای استعاری و انتزاعی مانند انتهای زمان نیز به کار رود (Ryding, 2005)؛ در این آیه، حرف اضافه «إِلَى» به همراه مفهوم «تلقوا» به معنای انداختن خود درون مسیری که مانند یک ظرف انسان را در بر می‌گیرد و سرانجام او را به هدف نهایی نابودی وارد می‌کند. بنابراین، نوعی مکان‌مندی را برای مفهوم مورد نظر ایجاد کرده و از این طریق مفهوم انتزاعی نابودی را در قالب مفهومی ملموس، محسوس و قابل درک برای مخاطب خود ارائه می‌دهد (Tabatabaee, 1996, v. 2, p. 64). همچنین در آیه زیر آمده است:

۱۳. قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَهْلَكْنِيَ اللَّهُ وَوَمَنْ مَعِيَ أَوْ رَحِمَنَا فَمَنْ يُجِيرُ الْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ (سوره

ملک، آیه ۲۸)

بگو: چه تصور می کنید؟ اگر خدا من و مؤمنانی که با من اند هلاک کند یا لطف و رحمت

فرماید.

۳.۴. حیوان

یکی دیگر از نشانه‌های عذاب الهی که در قرآن کریم برای کفار و گناه کاران اشاره شده است، پس رفتن مقام انسان از اشرف مخلوقات به گونه‌های حیوانی همچون بوزینه، خوک و حمار است؛ همچون آیه زیر (نمونه‌های بیشتر: سوره المائده، آیه ۶۰، سوره اعراف، آیه ۱۶۷):

۱۴. وَلَقَدْ عَلَّمْتُمُ الذِّبْنَ اِئْتَدُوا مِنْكُمْ فِي السَّبْتِ فَقُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ (سوره بقره، آیه ۱۲).

و دانسته‌اید جماعتی از شما را که عصیان ورزیده حرمت شنبه را نگاه نداشتند، گفتیم: بوزینه شوید و راندگانی.

در آیه‌های قرآن، حیوان‌هایی همچون بوزینه (میمون)، خوک و حمار در مفهوم اولیه و اصلی به کار نرفته و مفهوم ثانویه و استعاری واژه و صفت‌های منتسب به آن حیوانات مورد نظر است. در آیه بالا، نگاشت بین صفت انتزاعی تقلیدکننده و نادان به عنوان حوزه مقصد توسط حیوان میمون که به این صفت شهرت دارد و به عنوان حوزه مبدأ انتخاب شده انجام می‌گیرد. کلیات این نگاشت نمایانده عذاب و عقاب الهی است؛ در بسیاری از تفسیرهای قرآنی به جنبه استعاری کاربرد حیوانات اشاره شده است. از جمله، در کتاب تفسیر نور که در توضیح آیه بالا آورده شده - است که «مسخ چهره یکی از عذاب‌های خداوند بر امت نافرمان است و می‌تواند مسخ معنوی باشد و نه ظاهری» (Gheraati, 1995, p. 131). برای شواهد بیشتر نگاه کنید به آثار (Veysi & Oraki, 2015; Sharifi moghadam & Nazari, 2108).

۴.۴. مکان‌مندی (فاصله)

همان گونه که در آیه‌های قرآن مشاهده می‌شود، گناه انسان را از پروردگار دور و عمل صالح، او را نزدیک می‌سازد (نگاه کنید به سوره البقره، آیه‌های ۳۵-۳۸؛ سوره المائده، آیه ۲۷؛ سوره الاعراف، آیه ۵۶) که منظور فاصله و بُعد معنوی است. در واقع، جنس این فاصله از نوع مادی و فیزیکی نیست، بلکه این مفهوم که دارای ماهیت معنوی و انتزاعی است، از طریق حوزه مبدأ «مکان» مفهومی شده و انتقال می‌یابد. در این جا، مفهومی‌شدگی ارتباط معنوی به عنوان حوزه

مقصد توسط «فاصله/ مکان» که مبتنی بر تجربه دنیوی است، صورت گرفته و کلان استعاره «فاصله فیزیکی، فاصله معنوی است» را شکل می دهد.

دور شدن یا فاصله افتادن بین انسان و خداوند در قرآن کریم به صورت های گوناگون بیان شده است:

الف) راندن: خداوند در سوره بقره، خداوند آدم را به سبب عصیان و نافرمانی اش از بهشت (می راند):

۱۵. فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ وَقُلْنَا اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ (سوره بقره، آیه ۳۶).

پس شیطان آن ها را به لغزش افکند و آنان را از آن مقام بیرون آورد، و گفتیم که (از بهشت) فرود آید.

در آیه بالا، مفهوم سازی فاصله از طریق دو جهت «بالا/ پایین» انجام گرفته است.

ب) لعنت: در قرآن دو واژه قرآنی «رحمت» و «لعنت» بیانگر دو قطب فاصله است. «لعنت» به معنای «پشت کردن و دوری» است و با مضمون قهر و غضب خداوند بارها در قرآن در خطاب به کافران و مشرکان به کار رفته است. همچون آیه زیر بیان گر این مفهوم است؛ (نمونه های بیشتر: سوره بقره، آیه ۱۶۱؛ سوره نساء، آیه ۹۳؛ سوره توبه، آیه ۶۸):

۱۶. الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ فَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْكَافِرِينَ (سوره بقره، آیه ۱۹).

باز به او کافر شدند (و از نعمت وجود او ناسپاسی کردند)، پس لعنت خدا بر کافران باد.

پ) مهر نهادن بر قلوب (دل ها): این عبارت نیز مضمون دوری و فاصله را دارد:

۱۷. وَقَوْلِهِمْ قُلُوبُنَا غُلْفٌ بَلْ طَبَعَ اللَّهُ عَلَيْهَا بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا (سوره النساء، آیه ۱۵۵).

آری خداوند به علت کفرشان بر دل های آن ها مهر زده و بنابراین جز عده کمی ایمان نمی آورند.

خداوند بر دل های کافران مهر می زند به گونه ای که امکان هیچ ارتباط معنوی و ادراک عقلی برای آنان فراهم نباشد (نمونه های بیشتر: سوره منافقون، آیه ۳؛ سوره بقره، آیه ۷۷؛ سوره جاثیه، آیه ۲۳).

ت) آیه هایی را نیز می توان در قرآن یافت که فاصله بین خداوند و انسان با واژه هایی همچون «سخن نگفتن»، «یاری نرساندن»، «تنها گذاردن» و «نگاه نیفکندن» بیان شده است (نمونه های بیشتر:

سوره منافقون، آیه ۴؛ سوره بقره، آیه های ۴۸ و ۱۲۰؛ سوره آل عمران، آیه ۲۲):

۱۸. وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ وَلَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَا يَكْفُرُ لَهُمْ (سوره آل عمران، آیه ۷۷).

و خدا با آن‌ها (از خشم) سخن نگوید و در قیامت (به نظر رحمت) به آن‌ها ننگرد. در آیه‌های بالا، مفهوم عذاب الهی در قالب و صورت محسوس مکان‌مندی (فاصله به معنای دوری) مفهوم‌سازی شده‌است؛ زیرا در ذهن انسان مفهوم «محبت» با مفاهیمی همچون «نزدیکی و مجاورت» و در سوی مقابل، «قهر و جدایی» با مفاهیم «فاصله و دوری» مفهوم‌سازی می‌شود. به بیانی، استفاده از مکان‌مندی یکی از عوامل اصلی انتقال مفاهیم انتزاعی در زبان بشر است. این مفهوم، به عنوان سازوکاری کلامی و مأنوس با ذهن بشر در کلام قرآن نیز به کار گرفته شده‌است تا پیام الهی را به شیوه‌ای مأنوس و قابل درک برای بشر به وی منتقل نماید.

۴. ۵. تاریکی و ظلمت

نگاشت بین نور و مجموعه‌ای از مفاهیم مرتبط همچون «دانایی، صواب و درستی» و در سوی مقابل، نگاشت بین تاریکی و مفاهیمی چون «گمراهی، خطا، لغزش و باطل» دریافت تازه‌ای نبوده‌است. چرا که پیش از این در پژوهش‌های گوناگون به این مطلب اشاره شده‌است (Hejazi, 2016). نکته‌ای که به بحث حاضر مربوط می‌شود مفهومی شدگی مفاهیم انتزاعی کفر و عذاب به عنوان حوزه مقصد با حوزه مبدأ تاریکی در آیه‌های بالا است. همان گونه که در آیه زیر قابل مشاهده است:

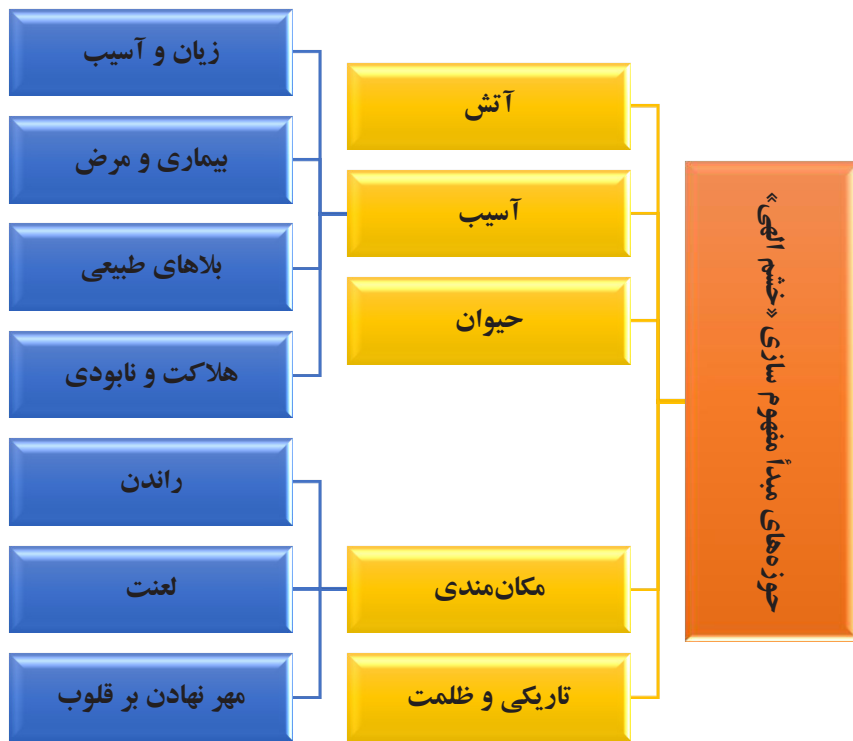
۱۹. كَمْ مَثَلٍ لِّذِي اسْتَوْفَدْنَا نَارًا فَلَمَّا أَضَاءَتْ مَا حَوْلَهُ ذَهَبَ اللَّهُ بِنُورِهِمْ وَتَرَكَهُمْ فِي ظُلُمَاتٍ لَا يُبْصِرُونَ (سوره بقره، آیه ۱۷).

مانند کسی که آتشی بیفزود، و همین که روشن کند پیرامون او را، خدا روشنی آنان را ببرد

و رها کند ایشان را در تاریکی که هیچ نبینند.

در آیه‌های دربردارنده این مفهوم، تقابل بین «نور و ظلمت» در واقع تقابل بین «صواب و ناصواب» را نشان می‌دهد. در آیه بالا، دور شدن انسان از نور و رهاشدن او در تاریکی نشانه خشم الهی نسبت بنده خطاکار بوده‌است، خود نوعی عذاب الهی است (نمونه‌های بیشتر: سوره بقره، آیه ۲۵۷؛ سوره الصف، آیه ۵؛ سوره حدید، آیه ۱۳).

نمودار زیر حوزه‌های مبدأ مرتبط با خشم الهی را نشان می‌دهد:



شکل ۱: مفهوم سازی حوزه «خشم الهی» در قرآن کریم

کاربرد مفاهیم استعاری خشم انسانی در کلام خداوند اگرچه نمی‌تواند دلالت بر تجربه‌های مشترک بین خداوند و انسان باشد، اما بر زبان مشترکی اشاره دارد که بین خداوند و انسان ارتباط ایجاد نموده‌است؛ خداوند در قرآن کریم با انسان به گونه‌ای سخن می‌گوید که برای او قابل فهم باشد و بنابراین برای انتقال پیام «عذاب» که مفهومی انتزاعی و دور است از مفاهیمی که مأنوس با زندگی بشر و تجربه اوست استفاده می‌کند؛ همچون سوزش آتش، بلاهای طبیعی، گرسنگی، درد و نیز محرومیت از داشته‌های مادی. در واقع، عذاب و کیفر را به گونه‌ای برای او شرح داده و توصیف نماید که بشر بتواند شدت، سختی و دشواری آن را بهتر و مؤثرتر درک نماید. این مطلب بیانگر راهکار شناختی قرآن کریم در بیان حوزه‌های مقصد از طریق حوزه‌های عینی مبدأ است. به کارگیری زبان بشر در قرآن به وسیله بسیاری از اندیشمندان و مفسران علوم دینی نیز تأیید شده و بر این باورند که در قرآن واژه‌های ماورایی و غیبی در قالب امور مادی بیان شده‌است تا انسانی که

Javadi Amouli, 2009;) کند (Mesbah Yazdi, 2010; quoted from Hosseyni & Ghaeminiya, 2009, p. 30

بر مبنای بررسی‌های مقاله حاضر، پدیده خشم در پیوند با خداوند و انسان متفاوت بوده است. در این میان، حوزه‌های مبدأ مشترک بیشتر به این جهت به کار گرفته می‌شوند که درک مضامین را برای بشر آسان‌تر و قابل فهم‌تر نماید. در واقع، خشم الهی بخشی از الگوی هدایت‌گری در قرآن کریم است و در مرحله پایانی آن قرار می‌گیرد، به ترتیب زیر:

الف) مرحله بینش و هدایت: این مرحله از آن جا به خشم مربوط می‌شود که خداوند هیچ بنده‌ای را پیش از راهنمایی و ارشاد محاکمه و مجازات نمی‌کند. قرآن اساساً برای هدایت و روشنگری از جانب خداوند نازل شده است. همچنین هدف از قصه‌ها و حکایت‌هایی که از اقوام گذشته در آن آمده، این است که به شیوه‌های مستقیم و غیر مستقیم بشر را ارشاد و راهنمایی کند.

ب) مرحله هشدار و اخطار: در این مرحله آیه‌ها لحن جدی‌تری گرفته و با مضمون هشدار، امر و نهی بیان می‌شود. آیه‌هایی که دارای ساختار امری، پرسشی (کارگفت غیر مستقیم پرسش به منظور امر) و یا آیه‌هایی که با واژه «ویل» (وای بر) آغاز می‌شوند، در این مرحله قرار می‌گیرند.

پ) مرحله عقاب: در این مرحله، خداوند برای گناهان مختلف در جاتی از عقاب را مشخص می‌کند و از انواع کیفرهای دنیوی و اخروی همچون آتش، بلاهای طبیعی، بیماری و گرسنگی نام می‌برد.

۵. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر، کوششی است برای بررسی سازوکارهای مفهومی شدگی حوزه معنایی خشم در قرآن کریم با بهره‌گیری از ابزار استعاره. استعاره مفهومی در دیدگاه شناختی روشی است که برای درک بهتر معانی و مفاهیم انتزاعی از مفاهیم عینی و مأنوس به کار گرفته می‌شود. بررسی آیه‌های دربرگیرنده این مضمون نشان می‌دهد که مفهوم‌سازی خشم در کلام قرآنی بر مبنای تناظرهای قابل درک برای نوع بشر شکل گرفته است. از جمله حوزه‌های مبدأ به کاررفته در قرآن کریم که به الگوی خشم در انسان نزدیک و برای او مأنوس و آشناست می‌توان به مفاهیم زیر اشاره نمود:

یکم- آتش که مفهومی ملموس برای انسان در حوزه خشم است، همچنین از جمله مفاهیم پرکاربرد خشم الهی است. اگرچه آتشی که در قرآن کریم از آن به عنوان عذاب الهی و بازخورد گناه یاد شده است با تجربه بشر از آتش متفاوت است. هر چند به نظر می‌رسد که نزدیک‌ترین مفهوم به تجربه او بوده و از طریق انطباق با آن می‌تواند سختی و شدت آن را بهتر درک نماید.

دوم- از نمودهای دیگر قهر الهی می‌توان به بلایایی همچون بیماری و ناتوانی (هم‌چون کوری و کری)، نزول بلایای طبیعی (همچون تندباد و باران سنگ) و نیز هلاکت و نابودی قوم خاسرون یا خاسرین اشاره نمود. این نمودها در بیشتر موارد، بیانگر تناظر بین حوزه انتزاعی عذاب معنوی و اخروی (سلامت روح و عقل و نابودی تدریجی قوم خطاکار) و مفهوم‌سازی آن از طریق نوعی درد و رنج مادی است. دورشدن انسان از مقام آدمیت و تنزل او به درجات پائین‌تر شعورمندی نیز از نشانه‌های قهر الهی است که بیش از خود حیوان، به صفت‌ها و منتسبات آن اشاره دارد.

سوم- مراد از رانده‌شدن و دورشدن انسان از خداوند به واسطه گناهانش، فاصله مکانی نبوده بلکه دارای ماهیت معنوی و انتزاعی است که به وسیله حوزه مبدأ مکان مفهوم‌سازی شده‌است. نگاشت بین نور و تاریکی به عنوان حوزه‌های مبدأ و مجموعه‌ای از مفاهیم مرتبط همچون «دانایی، صواب و درستی» و در سوی مقابل «گمراهی، خطا، لغزش و باطل» به عنوان حوزه‌های مقصد نیز، مفهومی شدگی امور انتزاعی کیفر و عذاب را از طریق مفاهیم عینی‌تر نشان می‌دهد.

چهارم- توجه این اشتراک‌ها با توجه به تفاوت‌های آشکار و اساسی بین این ویژگی در خداوند و انسان را شاید بتوان به قابلیت‌ها و محدودیت‌های شناختی انسان برای درک پدیده‌ها بر مبنای تجربیات بشری دانست. این مسئله در کلام خداوند نیز برای ارتباط مؤثرتر با مخاطب انسانی اعمال شده‌است. اهمیت این شباهت‌ها از آن جنبه است که سازوکارهای ارتباطی به کاررفته در کلام خدا را نشان می‌دهد.

پنجم- انتخاب ویژگی‌های کلامی قابل درک برای بشر در قرآن کریم در راستای بعد هدایت-گری و اهمیت انتقال پیام الهی به نوع بشر قرار می‌گیرد. چنان‌که در سورة الشعرا آیه ۱۹۵ آمده- است: «ما قرآن را به زبان عربی نازل کردیم و آن را برای ذکر آسان نمودیم» (بَلِّسَانَ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ). ششم- مشخصه دیگری که خشم الهی را از خشم در انسان متمایز می‌سازد، نقشی است که در هدایت‌گری انسان دارد؛ در واقع، خشم آخرین مرحله از فرایندی را تشکیل می‌دهد که با بینش و آگاهی دادن آغاز می‌شود. فرایندی که کنترل آن به دست بشر بوده و پیامد گناه و گناه‌کاری در اوست؛ به همین دلیل بر خلاف صفت انسانی که ناخوشایند و نکوهیده است، از آن به عنوان نعمت الهی یاد می‌شود.

فهرست منابع

ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی (۱۳۶۱). معانی الأخبار. ج ۱. قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۱۲۰ / تحلیلی شناختی از مفهوم سازی «خشم الهی» در حوزه دنیا در قرآن کریم

امینی، فریده (۱۳۹۷). *تبیین استعاره‌های مفهومی حوزه داوری قیامت در قرآن کریم*. پایان‌نامه دکتري. دانشگاه الزهرا.

پورابراهيم، شیرین (۱۳۹۳). «مفهوم‌سازی زندگی در زبان قرآن». *زبان پژوهی*. سال ۶. شماره ۱۰. صص ۶۳-۸۳

پورابراهيم، شیرین، ارسلان گلفام، فردوس آفاگل زاده و عالیه کرد زعفرانلو کامبوزیا (۱۳۹۱). «بررسی معنی‌شناسی استعاره صورت در زبان قرآن». *لسان مبین (پژوهش زبان عربی)*. سال ۴. شماره ۹. صص ۱۸-۱.

پورابراهيم، شیرین (۱۳۸۸). *بررسی زبان‌شناختی استعاره در قرآن*. پایان‌نامه دکتري. دانشگاه تربیت مدرس. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸الف). *فلسفه الهی از منظر امام رضا (ع)*. ج ۱. قم: نشر اسراء. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸ب). *تفسیر تسنیم*. ج ۸. قم: نشر اسراء.

حامدی شیروان، زهرا و شهلا شریفی (۱۳۹۴). «بررسی استعاره‌های شناختی و مدل شناختی خشم و کینه در پنج داستان از شاهنامه فردوسی». *مجموعه مقاله‌های همایش مخاطب‌شناسی شاهنامه و شعر حماسی فارسی*. به کوشش فرزاد قائمی. مشهد: دانشگاه فردوسی. صص ۱۰۹-۱۳۳.

حجازی، بهجت‌السادات (۱۳۹۵). «استعاره مفهومی آیه نور در قرآن». *فنون ادبی*. سال ۸. شماره ۳ (پیاپی ۱۶). صص ۸۵-۱۰۲.

حسینی، سیده مطهره و علیرضا قائمی‌نیا (۱۳۹۵). «استعاره مفهومی رحمت الهی در قرآن کریم». *ذهن*. دوره ۱۸. شماره ۶۹. صص ۲۸-۵۲.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۷۴). *مفردات الفاظ القرآن*. بیروت: دارالقلم. رضایی، غلام‌عباس و حسینی، سید پیمان (۱۳۹۱). «تصویرپردازی هنری در قرآن با تکیه بر تشبیه، مجاز، استعاره و کنایه». *پژوهش‌نامه نقد ادب عربی*. شماره ۳ (۶۱/۱۶). صص ۱۴۳-۱۶۵. ساسانی، فرهاد و معصومه ملکیان (۱۳۹۳). «مفهوم‌سازی خشم در زبان فارسی». *پژوهش‌های زبان‌شناسی*. سال ۶. شماره ۲. صص ۳۷-۵۶.

شریفی مقدم، آزاده و فاطمه زهرا نظری (۱۳۹۷). «مقایسه نقش معنایی حیوانات در دو کتاب آسمانی قرآن کریم و انجیل». *معرفت ادیان*. سال ۹. شماره ۴. صص ۲۰-۴۱.

شریفی مقدم، آزاده و فاطمه‌سادات فاطمی (۱۳۹۹). «مفهوم‌سازی استعاری خشم در پیکره زبانی و مصور جنگ در هفت خوان رستم». *مطالعات زبانی-بلاغی*. دوره ۱۱. شماره ۲۱. صص ۱۸۳-۲۱۴. صالح، عظیمه (۱۳۹۲). *معناشناسی واژگان قرآن (فرهنگ اصطلاحات قرآنی)*. ترجمه سید حسین سیدی. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.

طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه. عندلیبی، عادل (۱۳۸۵). «عبد؛ استعاره کانونی در انسان‌شناسی قرآن». *پژوهش‌نامه فلسفه دین (نامه حکمت)*. شماره ۷. صص ۱۲۹-۱۴۴.

قائمی، مرتضی و اختر ذوالفقاری (۱۳۹۵). «بررسی استعاره‌های شناختی در حوزه مرگ و زندگی دنیوی و اخروی در زبان قرآن استعاره عام مقصود مقصد است». پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن. سال ۵. شماره ۱. شماره پیاپی (۹). صص ۱-۲۰.

قائمی‌نیا، علیرضا (۱۳۸۸). «نقش استعاره‌های مفهومی در معرفت دینی». قیاسات. سال ۱۴. صص ۱۵۹-۱۸۴. قرآن کریم (۱۳۸۸). ترجمه مهدی الهی قمشه ای. قم: اسوه.

قرائتی، محسن (۱۳۷۴). تفسیر نور. ج ۱. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.

قرشی، علی‌اکبر (۱۳۷۱). قاموس قرآن. ج ۶. تهران: الکتب الاسلامیه.

کرد زعفرانلو کامبوزیا، عالیه، محمدرضا پورسینا و شعبان نصرتی (۱۳۹۵). «مفهوم‌سازی کلام الهی در قرآن براساس ارتباط‌شناسی و استعاره مفهومی». ذهن. شماره ۶۸. صص ۵-۲۹.

کرد زعفرانلو کامبوزیا، عالیه و خدیجه حاجیان (۱۳۸۹). «استعاره‌های جهتی قرآن با رویکرد شناختی». نقد ادبی. سال ۳. شماره ۹. صص ۱۱۵-۱۳۹.

کلانتری، عزت‌اله، مهدی محمدی‌نیا و مسعود اکبری‌زاده (۱۳۹۸). «بررسی استعاره‌های مفهومی خشم در قرآن کریم براساس دو نظریه عصب-زیستی و کنش مفهومی». زبان پژوهی. انتشار برخط ۶

شهریور ۱۳۹۸. doi: 10.22051/JLR.2019.25458.1681

کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۶۵). الکافی. ج ۴. تهران: دارالکتب الإسلامیه.

مرسلی، نوش آفرین، حسین مهدی و حیدر فرخ‌شیرازی (۱۳۹۷). «معناشناسی واژه عذاب در قرآن کریم باتکیه بر روابط هم‌نشینی و جانشینی». پژوهش‌های ادبی قرآنی. دوره ۶. شماره ۳. صص ۱۵۵-۱۸۵.

مشکاتی، محمد مهدی و روح‌الله فاطمی‌زاده (۱۳۹۳). «چرایی و چگونگی عذاب اخروی: بررسی دیدگاه علامه مجلسی و علامه طباطبایی». پژوهش‌نامه مذاهب اسلامی. سال ۱. شماره ۱. صص ۸۳-۱۰۷.

معرفت، محمدهادی (۱۳۸۱). علوم قرآنی. ج ۴. قم: موسسه فرهنگی التمهید.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۷). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

منصوری، خلیل (۱۳۹۴). علل و آثار خشم و غضب از منظر قرآن. پایگاه تخصصی قرآن کریم.

Retrieved from <<http://www.matquran.com>>

مولوی، امیرسعید، غلام‌حسین کریمی دوستان و محمود بی‌جن خان (۱۳۹۴). «کاربست رویکرد پیکره بنیاد تحلیل الگوی استعاره در زبان فارسی: مطالعه حوزه خشم». پژوهش‌های زبانی. دوره ۶. شماره ۱. صص ۹-۱۸.

نظری، راضیه و سیدمحمد موسوی بفرویی (۱۳۹۹). «بررسی شناختی استعاره‌های حوزه مفهومی اسماء زمان در قرآن کریم». پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن کریم. دوره ۹. شماره ۱. صص ۳۳-۴۸.

هوشنگی، حسین و محمود سیفی‌پرگو (۱۳۸۸). «استعاره‌های مفهومی در قرآن از منظر زبان‌شناسی شناختی». پژوهشنامه علوم و معارف قرآن کریم. سال ۱. شماره ۳. صص ۹-۳۴.

الهی قمش‌های، مهدی (۱۳۵۴). قرآن کریم، کشف الایات. تصحیح محمد باقر بهبودی. تهران: انتشارات ایران.

ویسی، الخاص و اورکی، غلام‌حسین (۱۳۹۴). «تحلیل ساختار زبان قرآن در چارچوب نظریه معاصر استعاره». پژوهش‌های ادبی-قرآنی. سال ۳. شماره ۱. صص ۷۹-۱۰۱.

References

- Amini, A. (2018). *The study of the conceptual metaphors of the 'Day of Judgment' in the Holy Quran* (PhD dissertation). Alzahra University, Tehran, Iran [In Persian].
- Andalibi, A. (2006). 'Abd' (slave); Focal metaphor in anthropology of Qur'an. *Philosophy of religion (Nameh- I Hikmat)*, 7, 129-144 [In Persian].
- Ellahi Ghomshei, M. (2009) *The holy Qur'an: Revealing verses* (M. B. Behbudi, Trans.) Tehran: Iran [In Persian].
- Ghaemi, M. & Zolfaghari, A. (2016). The study of conceptual metaphors of 'death', 'wordly life' and 'hereafter life' in Qur'an. *Linguistic Research in the Holy Qur'an*, 5 (1), 1-20 [In Persian].
- Ghaeminya, A. (2009). The role of conceptual metaphor in religious knowledge. *Ghabasat*, 14, 159-184 [In Persian].
- Gheraati, M. (1995). *Interpretation of the light*. Vol. 1. Tehran: Center of Lessons from Qur'an [In Persian].
- Ghorashi, A. (1992), *Qur'an Dictionary*. (6nd ed.). Tehran: Al-Maktab Eslamiye [In Persian].
- Hamedi Shirvan, Z. & Sharifi, Sh. (2015). The cognitive study of metaphorical model of anger in the 5 selected stories of Shahnameh. In F.Qhaemi, (Ed.), *Selection of Ferdowsi and Shahnameh language and literature* (pp. 109-133). Ferowsi University of Mashad [In Persian].
- Hejazi, B. (2016). Conceptual metaphor of 'light' in Qur'an. *Literary Art*, 3 (16), 85-102 [In Persian].
- Hooshangi, H. & Seyfi Porgu, M. (2009). Conceptual metaphors from cognitive perspective. *Journal of Science and Education of the Holy Qur'an*, 1(3), 9-34 [In Persian].
- Hosseyini, M. & Ghaemi Niya, A. (2012). Conceptual metaphor of God's mercy (Rahmat) in the holy Qur'an. *Zehn*, 18 (69), 28-52 [In Persian].
- Ibn Babuyeh (Sheykh Sodugh), M. (1992), *The meanings of Al-Akhbar* (1nd ed.), Qom: Islamic Publication for the Society of Teachers [In Arabic].
- Javadi Amouli, A. (2009a), *Divine philosophy from Imam Reza's (AS) perspective* (1nd ed.). Qom: Esra [In Persian].
- Javadi Amouli, A. (2009b). *Tansim interpretation* (8nd ed.), Qom: Esra [In Persian].
- Kalantari, E., Mohammadi Nia, M. & Akbarizadeh, M. (2019). A study of the conceptual metaphors of anger in the Holy Quran based on two theories of neuro-biology and conceptual act. *Journal of Language Research*. Online published from 28 August 2019. doi: [10.22051/JLR.2019.25458.1681](https://doi.org/10.22051/JLR.2019.25458.1681) [In Persian].
- Koleyni, M. (1996), *Al-Kafî*, Tehran: Dar al-Maktan Eslamiye [In Persian].
- Kordzaafaranhu K A. & Hajyan, Kh. (2009). Orientational metaphors in Qur'an within cognitive perspective. *Literary Criticism*, 3 (9), 115-139 [In Persian].
- Kordzaafaranhu K A., Poursina, M., & Nosrati, Sh. (2016). Conceptualization of the God's words in the Qur'an regarding communication and conceptual metaphor. *Zehn*, 68, 5-29 [In Persian].
- Kövecses, Z. (2002). *Metaphor: A practical introduction*. Oxford: Oxford University Press.
- Kövecses, Z. (1986), *Metaphors of anger, pride, and love: A lexical approach to the structure of concepts*. Amsterdam: John Benjamins.

- Kövecses, Z. (1995), Anger: its language, conceptualization, and physiology in the light of cross-cultural evidence, In J. R. Taylor & R. E. MacLaury (Eds.), *Language and the Cognitive Construal of the World* (181-196). Berlin: Mouton De Gruyter.
- Lakoff, G. (1992). The contemporary theory of metaphor. *Metaphor and thought*. Ortony. A(Ed.), Cambridge: Cambridge University Press.
- Lakoff, G., & Johnson, M. (1980), *Metaphors we live by*, Chicago: The University of Chicago Press.
- Makarem Shirazi, N. (1998). *The holy Qur'an: text, translation & commentary*. Tehran: Dar Al-Maktab Al-Eslamiye [In Persian].
- Mansuri, Kh. (2015), Causes and effects of anger in God from the perspective of Qur'an. Retrieved from <<http://www.matquran.com>> [In Persian].
- Marefat, M. H. (2002), *Qur'anic sciences* (4nd ed.). Qom: Al-Tamhid [In Arabic].
- Meshkati, M., & Fatemizadeh, R. (2014). Eternal torture; how and why "regarding Allameh Majlesi's and Allameh Tabatabaee's views". *Journal of Islamic Denomination*, 1(1), 83-107 [In Persian].
- Morsali, N., Mohtadi, H., & Far'e Shirazi, H. (2019). A semantic analysis of the word Azaab in the Holy Quran. *Journal of Literary and Quranic Research*, 6 (3), 155-185 [In Persian].
- Moulavi, A., Karimi doostan, Gh. & Bijankhah, M. (2015). A corpus-based approach to the study of metaphor: Focusing on anger. *Journal of Linguistic Research*, 6(1), 9-18 [In Persian].
- Nazari, R., & Mousavi, S. M. (2020). Cognitive investigation of conceptual domains of metaphors of time nouns in the holy Quran. *Linguistic Research in the Holy Quran*, 9 (1), 33-48 [In Persian].
- Pour Ebrahim, Sh. (2009). *The Linguistic study metaphor in Qur'an* (PhD dissertation). Tarbiyat Modarres Unversity, Tehran, Iran [In Persian].
- Pour Ebrahim, Sh. (2014). The conceptualizations of life in Qur'anic language. *Journal of Language Research*, 6 (11), 63-83 [In Persian].
- Pour Ebrahim, Sh., & Golfam, A., Aqhagolzadeh, F. and Zafaranlu, K. A. (2014). The study of formal metaphor in the language of the holy Qur'an. *The Quarterly Journal of Lesān-E Mobeen*, 4 (9), 1-18 [In Persian].
- Ragheb Esfahani, H. (1995), *Vocabularies of Qur'an*. Beirut: Dar al-Jalil [In Arabic].
- Rezaee, Gh., & Hosseyni, S. P. (2012). Artistic imaginary in Qur'an; relying on similie, metaphor and irony. *Arabic Litratue Bulletin*, 3(16/61), 143-165 [In Persian].
- Ryding, K. C. (2005). *A reference grammar of modern standard Arabic*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Saleh, A. (2013). *Semantics of Qur'anic words (dictionary of Qur'anic terms)*. (S. H. Hosseyni, Trans.). Mashad: Astan Qhods Razavi Publication Company [In Persian].
- Sasani, F. & Malakyan, M. (2014). Conceptualization of 'anger' in Persian. *Journal of Researches in Linguistics*, 2(11), 37-56 [In Persian].
- Sharifi moghadam, A., & Fatemi, F. (2020). Verbal and nonverbal metaphorical conceptualization of anger in the wars of Haft Khan of Rostam. *Journal of Linguistic and Rhetorical Studies*, 11(21), 183-214 [In Persian].
- Sharifi moghadam, A., & Nazari, S. (2018). A comparative study of the function of animals in the Holy Qur'an and the Bible "focusing on signification and theme". *A Quarterly Journal of Religions*. 9 (4), 20-41 [In Persian].
- Tabatabaee, S. M. (1996), *Moderation in interpretation of Qur'an*. Qom: Islamic Publication for the Society of Teachers [In Arabic].
- Ellahi Ghomshei, M. (2009). *قرآن کریم [The Holy Qur'an]*. Qom: Osveh [In Persian].
- Veysi, A., & Oraki, Gh. (2015). Structural analysis of Qur'an based on contemporary theory of metaphor. *Linguistic Qur'anic Researches*, 3(1), 79-101 [In Persian].

A Cognitive Analysis of the Concepts of “Divine Anger and Worldly Punishment” in the Holy Quran

Azadeh Sharifi Moghaddam¹
Fatemeh Habibi²
Mahdieh Eshaghi³

Received: 03/03/2020
Accepted: 11/07/2020
Article Type: Research

Abstract

There are many verses in the Holy Qur'an that are related to God's wrath toward man. The frequency of these verses which are presented in different grammatical forms and meanings implies the importance of this divine message which is to be transferred to the human. Undoubtedly, God's wrath is quite different from human anger in nature. However, a man knows the concepts that he has experienced himself and this includes emotions like anger. According to cognitive linguists, metaphor is a way of converting abstract concepts (namely the source domains) to concrete concepts (namely the target domains). This study seeks to answer the following questions: 1. How does the concept of divine anger is conceptualized in the Holy Quran? 2. What are the target domains? 3. What are the differences between the prototype scenario in God and a man?

The theoretical framework used in this study is Kovecses's (1986) theory of human anger. His model includes a list of source domains that are mapped onto the target domain of anger as well as the scenario of anger. The source domains are: A) “anger is fire/heat” as the central metaphor. The major metaphors are: B) Anger is insanity. C) Anger is a dangerous animal. D) Anger is an opponent (in a struggle). E) Anger is a burden. F) Anger is trespassing. More metaphors are “existence are pressure” and “body is the container of feeling”. The scenario of anger which is called “prototype scenario” include the following stages: an offending event, anger, control, loss of control, an act of retribution.

Cognitive linguistics was introduced by the publication of the book “Metaphors We Live by” by Lakoff and Johnson in the '80s. This approach made fundamental changes in the study and analysis of metaphor that has remained unchanged since Aristotle. The new approach quickly replaced the classic one and it soon attracted

¹ PhD in Linguistics, Associate Professor, Shahid Bahonar University of Kerman, (corresponding author); asharifi@uk.ac.ir

² Postdoctoral Researcher in Quranic and Hadith Sciences, Al-Zahra University; f.habibi@alzahra.ac.ir

³ PhD in linguistics, Tehran University; mahdieh.eshaghi@ut.ac.ir

many researchers. The term 'conceptual metaphor' is well known among Iranian researchers and a significant number of works can be found in this area. As an illustration, Hooshagi & Seyfiporgu (2009) studied the most frequent source domains in the Holy Quran and listed them. Ghaeminiya (2009) also analyzes the conceptual metaphors used in the Holy Quran, believing that cognitive theory has an impact on understanding the Qur'anic verses. Pourebrahim (2009) lists the types of conceptual metaphors in the first half of the Qur'an (15 parts). Veysi & Ouraki (2015) analyze metaphorical structures in the holy Quran. They believe that the cognitive approach is capable of analyzing verbal metaphors. Finally, Andalibi (2006) focuses on the meta-metaphor of "Man as the Servant of God" and studies the relationship between 'God' and 'Man' in the metaphoric terms.

The present study is qualitative and descriptive-analytic research. To investigate how the concept of anger is conceptualized in the Holy Quran, the verses in which the concept of anger was expressed metaphorically were first extracted and then were examined regarding the source domains as well as the prototype scenario. Our aim was to identify the familiar and understandable concepts (to man) which are used in the Quran.

The target domains were found in the conceptualization of divine anger in Qur'an were: fire, damage and destruction (disease, natural disaster, and destruction), animals, space (excommunication, damn and sealing the heart) and darkness. The target domains used in Qur'an show that although divine anger is quite different from human anger, conceptualization is done in a way that makes it easy and understandable for the human beings. Moreover, the stages of anger for God are different from the stages of anger in man. The divine scenario of anger consists of the following three stages: 'Guidance' is the first stage in which God shows the right path to the people through the prophets and the Holy Scriptures. 'Warning' is the next step. In the Holy Quran, there are many verses that prohibit man from committing certain sins, such as disbelief and lies. The last stage is divine retribution in which God prescribes definite retributions for the sinners.

Keywords: The Holy Quran, Cognitive linguistics, Conceptual metaphors, The model of anger, Source and target domains